

رویکرد حقوق بین الملل به شبیه سازی انسان

هومن موثق*



مقدمه

انسان در قرن بیستم شاهد تحولات شگرفی بوده است. پیشرفتهای حاصل در علوم و فنون مختلف به اندازه ای بوده اند که موجب دگرذیسی حیات انسان و شیوه زندگی او شده اند.^۱ پیشرفت و توسعه فن آوری، منجر به بروز مشکلات و معضلاتی برای بشر و محیط زیست او نیز شده اند. استخراج منابع طبیعی و بهره برداری بی وقفه از آن، چهره کره زمین را دگرگون نموده، باعث آلودگی محیط زیست، رانش زمین، تغییرات جوی و پدیده های دیگری شده است. پیشرفت فن آوری سلاحها، جنگ هایی به مراتب هولناک تر را موجب شده است و حتی بقای حیات را به مخاطره انداخته. سلاحهای هسته ای موجود در زرادخانه های تعداد اندکی از دولتهای جهان، قادر به نابود کردن تمام حیات بر کره زمین می باشند.

از طرف دیگر، علوم و فنون جدید موجبات رفاه و سلامت بیش از پیش زندگی نوع بشر را فراهم آورده اند. امروزه با پیشرفتی که در زمینه های مختلفی، از جمله پزشکی، ارتباطات، حمل و نقل، کشاورزی و صنعت حاصل شده است بسیاری از مشکلات انسانها، که قرنها با آنها مواجه بوده، مرتفع گردیده اند. یکی از پیشرفتهایی که نویدبخش آسودگی بیشتر برای انسان می باشد، توسعه فن آوری زیستی یا «بیوتکنولوژی» است؛ فن آوری زیستی این امکان را فراهم می کند که در عرصه های مختلف زیست شناسی، کشاورزی، شیلات، پزشکی و داروسازی، و حتی صنایع (از جمله در صنایع الکترونیک و کامپیوتر) گامهایی برداشته شود که تاکنون قابل تصور نبوده اند. ناگفته پیداست که همانند هر علم دیگری، بیوتکنولوژی نیز همراه با امیدها و نگرانی هایی می باشد؛ امید به سلامت و رفاه بیشتر و ترس از پیامدهای احتمالی آن.^۲

از جمله امکاناتی که فن آوری زیستی برای انسان به ارمغان آورده است، توانایی شبیه سازی جانداران مختلف می باشد. این تحول موجب مباحثات گسترده و پر حرارتی در محافل علمی، روحانی، اخلاقی، حقوقی و سیاستگذاری، اعم از ملی و بین المللی شده است.

مقصود از این نوشته بررسی رویکرد حقوق بین الملل به شبیه سازی انسان می باشد. لازم به ذکر است که مبحث شبیه سازی از مباحث بین رشته ای است و نمی توان تنها با توجه به یکی از جوانب، اعم از حقوقی، اخلاقی، علمی یا غیر آنها، بحث را پایان یافته تلقی کرد. ولی با توجه به وسعت مطلب و گستردگی کثرت مسائل آن، از حیث ماهیت، به «حقوقی» از حیث گستره، به «بین المللی»، و از لحاظ نوع، به «شبیه سازی انسان» (با تاکید بر شبیه سازی مولد انسان) اکتفا خواهد شد.

۱- تعریف و انواع شبیه سازی

در زیست شناسی، «کلون» به سلول یا ارگانیزمی اطلاق می گردد که ساختار ژنتیکی آن با سلول یا ارگانیزمی که از آن مشتق شده است یکسان و همانند باشد. برای مثال برخی از ارگانیزمها (همچون باکتریها، برخی از گیاهان و جانوران دریایی) با شبیه سازی DNA خود و تقسیم آن به دو نیمه همسان، تولید مثل می کنند، جاندار حاصل «شبیه» یا «کلون» جاندار اصلی است.^۳ بنابراین، می توان دید که پیش از آنکه امکان شبیه سازی جانداران توسط انسان فراهم گردد، این امر در طبیعت واقع می شده و هر روزه صورت می گیرد.

تعریفی کلی که از شبیه سازی ارائه شده است. عبارت است از: «فرایند تولید سلولها یا ارگانیزم های شبیه (کلون)».^۴ شبیه سازی را می توان از نظر موضوع، به انسان و غیر انسان، و از نظر هدف، به مولد، درمانی، و تحقیقی تقسیم نمود. البته از حیث روش نیز می توان این فرایند را به انواع گوناگونی تقسیم نمود که به دلیل علمی بودن آن و عدم ارتباط با بحث حقوقی، به آن مبادرت نمی شود.

* دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه شهید بهشتی و عضو گروه مطالعات و پژوهشهای حقوق بین الملل در اداره کل پژوهش و اطلاع رسانی.

برای انواع شبیه سازی پیش گفته، تعاریف گوناگونی ارائه شده اند که در اینجا به ارائه برخی از این تعاریف، تا جایی که به شبیه سازی انسان مرتبط باشند، مبادرت خواهد شد.

شاید اولین تعریفی که از شبیه سازی انسان در یک سند بین المللی وجود دارد رابتون تعریف موجود در پروتکل اختیاری کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و شان انسان در خصوص کاربرد زیست شناسی و پزشکی، راجع به منع شبیه سازی انسانها، مورخ ۱۲ ژانویه ۱۹۹۸ شورای اروپا ۵ دانست. این پروتکل در ماده یک خود مقرر می دارد:

۱- هرگونه مداخله که هدف از آن ایجاد انسانی باشد که از لحاظ ژنتیکی با انسانی دیگر، اعم از زنده یا مرده، همسان باشد ممنوع است.
۲- از نظر این ماده، عبارت انسانی که از «لحاظ ژنتیکی» با انسانی دیگر «همسان باشد» یعنی انسانی که دارای همان مجموعه ژنتیکی هسته ای انسان دیگری باشد.

همان گونه که در دو بند این ماده می توان مشاهده نمود، هیچ گونه اشاره ای به اهداف یاروشهایی که شبیه سازی برای آنها یا از طریق آنها صورت می گیرد نشده است. تنها ملاک مورد توجه، وجود مجموعه ژنهای یکسان در هسته سلولی می باشد. گزارش توضیحی این پروتکل صراحتاً بیان می دارد که موضع به خصوص درباره شبیه سازی سلولها و بافتها برای مقاصد تحقیقی - درمانی اتخاذ نشده و نباید چنین تلقی گردد که پروتکل مذکور مانع چنین فعالیت هایی است.^۶ همچنین در بند دیگر این گزارش اشاره شده که تعیین حدود عبارت «انسان» به عهده دولتهاست.^۷ بنابراین هر دولت عضو پروتکل می بایست وفق تدابیر و سیاستهای ملی خود، طی قانونی مبادرت به تعریف عبارت «انسان» مورد نظر پروتکل بنماید. این گزارش ضمن بیان اینکه منظور پروتکل از «هسته ای» تنها ژنهای هسته می باشد (چون درباره هویت فرد، این گونه ژنها مورد نظر هستند) و نه ژنهای میتوکندریها، اعلام می نماید که: عبارت «همان مجموعه ژنتیکی هسته ای» این واقعیت را لحاظ می کند که برخی از ژنها حین تکامل ممکن است دچار تغییرات بدنه ای شوند. لذا، مثلاً در مورد دو قلوهای همسان، مشاهده می شود که ضمن آنکه مجموعه ژنتیکی آنها یکسان است، ضرورتاً تمام ژنهای آنها صد درصد یکسان نمی باشد.^۸

سند دیگری که در مورد تعریف شبیه سازی مقرر شده، قطعنامه پارلمان اروپا راجع به شبیه سازی انسان است که در ۱۵ ژانویه ۱۹۹۸ به تصویب رسید.^۹ قطعنامه ای تحت همین عنوان توسط پارلمان در ۷ سپتامبر ۲۰۰۰ به تصویب رسید^{۱۰} که با اندکی تسامح تعریف مندرج در قطعنامه قبلی، در بند یک خود مقرر می دارد:

«پارلمان، شبیه سازی انسان را به عنوان تولید (خلق) جنین های دارای ساختار ژنتیکی یکسان با انسانی دیگر، زنده یا مرده، در هر مرحله از تکامل، بدون هیچ گونه تمایزی از لحاظ روش به کار برده شده، تعریف می کند»

با توجه به تعریف فوق، می توان مشاهده نمود که پارلمان اروپا نیز محور اساسی تعریف را وجود ساختار ژنتیکی یکسان میان دو انسان، صرف نظر از روش به کار برده شده یا اهداف شبیه سازی، دانسته است.

لازم به ذکر است که هنوز کنوانسیون جهانی راجع به شبیه سازی وجود ندارد و این امر توسط سازمان ملل متحد در دست بررسی است. به همین لحاظ تعاریف موجود تعاریفی هستند که در چهارچوب اروپا تهیه و مقرر شده اند. حتی اعلامیه یونسکو راجع به ژنوم انسانی^{۱۱} تعریفی از شبیه سازی ارائه نکرده است و صرفاً آن را منع نموده (ماده یازده). البته، به نظر می رسد که هر گونه تعریفی که از شبیه سازی ارائه گردد، اعم از اینکه روشهای آن لحاظ گردند یا اهداف آن ذکر شوند، قدر مسلم آن که به عنصر «وجود ساختار ژنتیکی یکسان» در تعریف قطعاً توجه خواهد شد.^{۱۲}

۲- تاریخچه علمی - حقوقی شبیه سازی^{۱۳}:

در سال ۱۹۰۱، هانس اسپمان-^{۱۴} جنین شناس آلمانی و استاد جانورشناسی در دانشگاه فرایبورگ - موفق شد با تقسیم تخمک لقاح یاخته سمندر آبی در مرحله دو سلولی آن، دو لارو مستقل به دست آورد، او در سال ۱۹۱۴ اولین

آزمایش ها را در امر انتقال هسته سلولی به منظور ایجاد دو جاندار مستقل (از یک سلول) به عمل آورد. تلاشهای او باعث شد که در سال ۱۹۳۵ جایزه نوبل پزشکی یا فیزیولوژی را از آن خود کند. او در سال ۱۹۳۸ تحقیقات خود را در کتابی به رشته تحریر در آورد.^{۱۵} در اوایل دهه پنجاه میلادی، پروفیسور استوارد از دانشگاه کرنل^{۱۶} نحوه شبیه سازی گیاهان را نشان داد. او باروش خود موفق شد هزاران هویج شبیه سازی کند. در سال ۱۹۵۲ نیز رابرت بریگز و تامس کینگ از مؤسسه تحقیقات سرطان فیلادلفیا^{۱۷} قورباغه ای را با استفاده از سلولهای بدنی جنین قورباغه، شبیه سازی کردند. در ۲۵ آوریل ۱۹۵۳ انقلابی در زیست شناسی رخ داد: جیمز واتسون و فرانسیس کریک^{۱۸} مقاله ای علمی به چاپ رساندند که در آن برای اولین بار ظرافت های ساختار مولکول DNA تشریح شده بود. بر اثر این امر آنها در سال ۱۹۶۲ موفق شدند جایزه نوبل پزشکی یا فیزیولوژی را دریافت کنند. این اکتشاف منجر به طلوع عصر جدیدی شد، عصری که به عصر ژنتیک معروف شد و بسیاری آن را یکی از مهمترین دست آوردهای دانش بشری توصیف می کنند.

در همان سال که جایزه نوبل به واتسون و کریک اهداء شد، جان گردن^{۱۹} از دانشگاه آکسفورد موفق شد با استفاده از سلولهای روده ای قورباغه های بالغ، قورباغه هایی را شبیه سازی کند و آنها را تا مرحله بلوغ جنسی رشد دهد. یک سال بعد، دانشمندی انگلیسی به نام هالدین^{۲۰} برای اولین بار در کتاب انسان و آینده او (۱۹۶۳)، در فصلی تحت عنوان «امکانات بیولوژیکی برای نوع بشر ده هزار سال آینده»، از عبارت «کلون» استفاده کرد (در توصیف آزمایشهای گردن).

در این مقطع زمانی، تحولاتی در محافل حقوقی درباره جوانب مختلف علوم زیستی و پزشکی در حال وقوع بود. در ۲۲ ژانویه ۱۹۷۳ دیوان عالی ایالات متحده در قضیه معروف رو علیه وید^{۲۱} سقط جنین را قانونی اعلام نمود (با هفت رای در برابر دو رای). نتیجه آن که دولت آمریکا تامین منابع مالی تحقیقات جنینی را به حالت تعلیق در آورد. قانون تحقیقات ملی ۱۹۷۴ که حاوی مقرراتی راجع به تحقیقات جنینی بود، تحقیقات جنینی که از منابع فدرال تامین مالی می شدند را موقتاً به حالت تعلیق در آورد. این تعلیق تا ۱۹۷۵ به قوت خود باقی ماند.

در قضیه ای دیگر نیز، دیوان ایالات متحده طی حکمی اعلام نمود که باکتری تغییر شکل یافته از لحاظ ژنتیکی را می توان ثبت کرد. این قضیه که در سال ۱۹۸۰ صورت گرفت، به دانشمندان این امکان را می داد که جاندارانی را که از لحاظ ژنتیکی تغییر می دادند بتوانند به ثبت برسانند.

در زیست شناسی، «کلون» به سلول یا ارگانیزمی اطلاق می گردد که ساختار ژنتیکی آن با سلول یا ارگانیزمی که از آن مشتق شده است یکسان و همانند باشد، برای مثال برخی از ارگانیزم ها (همچون باکتریها، برخی از گیاهان و جانوران دریایی) با شبیه سازی DNA خود و تقسیم آن به دو نیمه همسان، تولید مثل می کنند، جاندار حاصل «شبهه» یا «کلون» جاندار اصلی است

در دانمارک و در سال ۱۹۸۴، استین ویلادسون^{۲۲} موفق شد گوسفندی را شبیه سازی کند. نامبرده در سال ۱۹۸۶ نیز موفق به شبیه سازی یک گاو شد. برای اولین بار در جهان، در سال ۱۹۹۶ یان ویلموت^{۲۳} و گروه پژوهشگران اسکاتلندی وی موفق شدند گوسفندی را با استفاده از سلولهای بالغ شبیه سازی کنند. نام این گوسفند را «دالی»^{۲۴} گذاشتند و خبر شبیه سازی آن در سراسر جهان پخش شد.^{۲۵} پس از این واقعه، خبر شبیه سازی پستانداران دیگری با استفاده از همین روش یا روشهایی مشابه از جمله شبیه سازی موش (واکایاما، ۱۹۹۸)،^{۲۶} گاو (کاتو، ۱۹۹۸)،^{۲۷} بز (باگوسی، ۱۹۹۹)،^{۲۸} میمون

(چان، ۲۰۰۰)، و فوک (اونیشی، ۲۰۰۰؛ پولیوا، ۲۰۰۰) - اعلام شدند. این خبرها سؤالی را مطرح می‌ساختند: اگر امکان شبیه‌سازی پستانداران فراهم شده است و از طرفی انسان نیز یک پستاندار می‌باشد، آیا امکان شبیه‌سازی انسان نیز وجود دارد؟ و آیا در صورت امکان، می‌توان مبادرت به چنین کاری کرد؟

۳- رویکرد حقوق بین الملل موضوعه

نشر خبر شبیه‌سازی «دالی» انعکاس گسترده‌ای در مراجع و سازمانهای بین‌المللی داشت تا جایی که پارلمان اروپایی در قطعنامه‌ای که در سال ۱۹۹۷ راجع به شبیه‌سازی صادر کرد صراحتاً به آن اشاره نمود.^{۳۲} سیل قطعنامه‌ها و مصوبه‌های سازمانهای بین‌المللی مختلف،^{۳۳} به ویژه در اروپا، نشان از نگرانی جامعه بین‌المللی درباره شبیه‌سازی انسان دارد. این نگرانی ریشه در دغدغه خاطر جامعه بین‌المللی برای صیانت از انسان دارد، دغدغه‌خاطری که در اسناد متعدد حقوق بشری عینیت یافته، حاکی از توجه دولت‌ها به اهمیت حقوق انسانها و ضرورت حفاظت از این حقوق است. اصولی همچون عدم تبعیض، تفویض ناپذیری، جهان شمولی، و حقوقی چون حق حیات و آزادی از شکنجه، در اسناد مختلفی که ناظر بر امر شبیه‌سازی هستند، بیان شده‌اند. ناگفته نماند که این اصول و حقوق همگی ریشه در حقوق بشر دارند و تکرار و تأیید آنها در اسناد مربوط به شبیه‌سازی، مبین این است که جامعه بین‌المللی بر ارتباط شبیه‌سازی انسان با حقوق و آزادیهای بنیادین او اشراف داشته، قصد حمایت از این حقوق و آزادیها را دارد. این امر در بعد جهانی با آهنگ کندتری نسبت به اروپا در حال وقوع است.

در عرصه جهانی هنوز معاهده‌ای درباره شبیه‌سازی تنظیم نشده است و تنها چند مصوبه از سازمانهای مختلف در این خصوص صادر شده‌اند. سازمان

در عرصه جهانی هنوز معاهده‌ای درباره شبیه‌سازی تنظیم نشده است و تنها چند مصوبه از سازمانهای مختلف در این خصوص صادر شده‌اند. سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در سال ۱۹۹۷ اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر را صادر کرد که طی آن، در ماده یک اعلام می‌دارد که ژنوم انسانی مبنای وحدت بنیادین همه اعضای خانواده بشری و نیز شناسایی شان ذاتی و تمایز آنها می‌باشد، در ماده یازده خود نیز اعلام می‌نماید: «اعمالی که مغایر با شان بشر هستند، همچون شبیه‌سازی مولد انسان، مجاز نخواهند بود. از دولتها و سازمانهای بین‌المللی صلاحیتدار دعوت می‌شود که در شناسایی چنین اعمالی، و اتخاذ تدابیر لازم در سطوح ملی و بین‌المللی برای تضمین رعایت اصول مندرج در این اعلامیه همکاری نمایند»

مجموع عمومی نیز طی مصوبه‌ای^{۳۴}، قطعنامه مزبور را تأیید نمود. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که اسناد مذکور فاقد نیروی الزام آور حقوقی هستند و صرفاً جنبه توصیه‌ای دارند. ضمن اینکه مقرره پیش گفته صرفاً ناظر بر شبیه‌سازی مولد انسان است و دیگر اشکال شبیه‌سازی را خطاب واقع نکرده است. مساله دیگر آنکه معلوم نکرده است که منظور از «انسان» چیست؟ آیا جنین انسانی را نیز شامل می‌شود یا خیر؟ و اگر پاسخ مثبت است، در کدام مرحله تکاملی جنین؟ سازمان بهداشت جهانی نیز طی دو قطعنامه در سالهای ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ تأکید نمود که: «شبیه‌سازی برای تکثیر انسانها از نظر اخلاقی غیر قابل قبول بوده و مغایر با شان و... بشر است»^{۳۵}.

قطعنامه سال ۱۹۹۸ از دولتهای خواهد که به مباحثه در این زمینه ادامه دهند و اقدامات مناسبی، از جمله تدابیر حقوقی و قضایی، را برای منع شبیه‌سازی مولد انسان به عمل آورند.^{۳۶}

درباره الزام آور بودن این قطعنامه‌ها و اعلامیه‌ها از دو منظر می‌توان بحث کرد. اول آنکه به این اعلامیه‌ها به عنوان عمل یک سازمان بین‌المللی نگریسته شود و نیروی الزام‌آوری و نقش آنها در ایجاد هنجارهای بین‌المللی یا اثرگذاری بر آنها از لحاظ سازمانی بررسی شود^{۳۷}؛ دوم آنکه به محتوای این اعلامیه‌ها پرداخته شود و به مبنای غایبات آنها توجه گردد.

چنانچه از منظر اول نگریسته شود، سه دیدگاه مشاهده می‌شود. دیدگاه اول، که غالباً توسط حقوقدانان کشورهای در حال توسعه (که اکثریت چنین مجامعی را شامل می‌گردند) مطرح می‌گردد، عبارت از این است که مصوبات چنین مجامعی برای دولتهای عضو الزام آور می‌باشند. این گروه به دلایلی همچون «اصول رضایت و استایل»^{۳۸}، «توافق میان اعضای مجمع»^{۳۹} و «اختیار نمایندگان مجامع برای الزام دولتهای خود»^{۴۰} استناد می‌کنند و معتقدند که مصوبات مجامع عمومی سازمانهای بین‌المللی برای دولتهای عضو آنها ایجاد تعهد و بار حقوقی می‌نماید. دیدگاه دوم مبنی بر این است که این گونه مصوبات صرفاً دارای نیروی اخلاقی و سیاسی هستند.^{۴۱} کلیبار معتقد است که مصوبات مجمع عمومی فاقد جنبه الزام آور هستند و در توجیه نظر خود به این دلیل اشاره می‌کند که «حقوق بین‌الملل موضوعه هنوز بر اصل «رضایت کشورها» در قبال تعهدات بین‌المللی تکیه داشته و قطعنامه هر سازمان [بین‌المللی] فقط برای اکثریت اعضا به تصویب می‌رسد.» ایشان درباره اعلامیه‌ها عقیده دارند که این نوع مصوبات با وجود آن که الزام یک معاهده بین‌المللی را ندارند، از آنجا که متضمن یکی از عناصر عرف (توافق ضمنی جامعه کشورها) می‌باشند، به ویژه هنگامی که با اتفاق آراء [یا کنسensus] تصویب شوند، به عرف نزدیک می‌شوند و «به هر تقدیر بارقه‌ای از الزام نیز در این قبیل اعلامیه‌ها به چشم می‌خورد»^{۴۲}.

دیدگاه سوم از دیدگاه دوم مشتق شده است. به این معنی که پیروان این نظریه معتقدند که مصوبات سازمانهای بین‌المللی توصیه هستند و لذا برای دولتها از نظر حقوقی الزام آور نمی‌باشند. ولی بنابر نظر این گروه، مصوبات دارای عنصر حقوقی خاصی هستند. با این حال، راجع به اینکه این عنصر حقوقی دقیقاً چیست دیدگاهها بسیار تفاوت دارند. برخی آن را «تعهد اعضای سازمان به همکاری جهت حصول اهداف سازمان»^{۴۳} می‌دانند، برخی دیگر عنصر حقوقی مزبور را در این دانسته‌اند که «اینگونه مصوبات مجوزی حقوقی برای اعضای هستند که می‌خواهند به آن عمل کنند»^{۴۴}. به نظر می‌رسد که نظریه پروفیسور تونکین که در این دیدگاه طبقه‌بندی می‌شود، از همه نظریه‌ها به واقع نزدیکتر باشد.^{۴۵} ایشان معتقد است که راه حل صحیح پاسخگویی به مساله ماهیت توصیه نامه‌های سازمانهای بین‌المللی این است که به تئوری هماهنگی اراده دولتها^{۴۶} توجه شود. بنا بر نظر وی، توصیه نامه‌های صادره، در سازمانهای بین‌المللی، حاصل هماهنگی اراده دولتهای عضو آن سازمان می‌باشند. فرایند هماهنگی آنها مبتنی بر سند اساسی سازمان است و نتیجه آن، عمل سازمان می‌باشد: صدور مصوبه. ماهیت چنین مصوبه‌ای به مقررات مرتبط سند اساسی آن سازمان بستگی دارد. وی در ادامه اضافه می‌کند: «مصوبه هنجار ساز یک سازمان بین‌المللی نتیجه هماهنگی اراده دولتهای عضو سازمان درباره قواعد رفتاری است. با این حال، مصوبات محدود به این نیستند....»

.... این مصوبات، حاصل هماهنگی اراده دولتها تنها قواعد رفتاری مندرج در متن مصوبه نمی‌باشد، بلکه شامل تقاضایی از دولتهاست که قواعد مزبور را در عمل مراعات کنند»^{۴۷}.

چنانچه مساله از منظر دوم بررسی شود (توجه به مبنای غایت ممنوعیت شبیه‌سازی مولد انسان)، باید اشاره کرد که این ممنوعیت ریشه در ملاحظات حقوق بشری دارد و با آن دارای اشتراکات بسیاری است.^{۴۸} شاهد این مدعا را می‌توان در اسناد مذکور ملاحظه نمود. این مصوبات در مقدمه‌های^{۴۹} خود، به تضاد شبیه‌سازی مولد انسان با شان بشر اشاره

نموده‌اند، آن را غیر قابل قبول و توجیه‌پنداشته‌اند. علاوه بر این، به اسناد مختلف حقوق بشر استناد کرده‌اند و اعلام داشته‌اند که شبیه‌سازی مولد انسان مغایر با حقوق و آزادیهای بنیادین مصرح در این اسناد بوده، با اخلاق در تعارض است.^{۵۰} با مطالعه این اسناد و اسنادی که در اروپا و در همین مورد تنظیم شده‌اند، به راحتی می‌توان دریافت که همگی آنها بی‌هدفی واحد هستند و این هدف چیزی نیست جز صیانت از شان بشر از طریق توجه به مسائل اخلاقی مربوط به علوم زیستی و پزشکی. این امر گرچه از طریق مصوبات سازمانهای بین‌المللی و با موافقت نمایندگان دولتهای عضو این مجامع صورت گرفته است، ولی به نظر می‌رسد که منوط به اراده آنها نبوده، فاقد جنبه تأسیسی است؛ توجه به شان بشر در این اسناد، وجود کنسوس اعضای جامعه بین‌المللی مبنی بر ممنوعیت شبیه‌سازی مولد انسان،^{۵۱} و اکنش افکار عمومی به شبیه‌سازی گوسفند معروف «دالی»،^{۵۲} و مبانی حقوق بشری این ممنوعیت (که خود ریشه‌های فلسفی و اخلاقی دارد)^{۵۳} همگی حاکی از این واقعیت هستند که مبنای این ممنوعیت، در اراده مثبت دولتهای عضو سازمانهای بین‌المللی، که با انشاء خود چنین ممنوعیتی را «وضع» کرده باشند، نیست، بلکه در اختیارات ذاتی هر انسانی است که به صرف انسانیت خویش، بهره‌مند از آنها بوده، نمی‌تواند خود را محروم و مسلوب از آزادی‌ها و حقوق بنیادین بشری خویش نماید. دولتهای جهان نیز با آگاهی از این واقعیت و با تکیه بر مبانی اخلاقی و فلسفی اصول حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر، مبادرت به اعلام این ممنوعیت، از مجرای سازمانهای بین‌المللی و به صورت مصوبات صادره توسط آنها نموده‌اند.

البته در اروپا، دولتها از بیان انتزاعی ممنوعیت شبیه‌سازی مولد انسان به صورتی هنجاری کلی و مبهم گامی فراتر نهاده‌اند و پروتکلی اختیاری، که در واقع مکمل کنوانسیون اوبدومی باشد، تهیه و تنظیم نموده‌اند تا تعهدات عینی و مشخصی را، در قالب قواعدی حقوقی و الزام‌آور (چه از لحاظ شکل و چه از لحاظ ماهیت) بر جوامع خویش مستقر سازند. این پروتکل که در هشت ماده تنظیم شده است،^{۵۴} پس از آنکه در اولین ماده خود شبیه‌سازی مولد انسان را منع می‌کند، در ماده سه اعلام می‌نماید که تمام مقررات کنوانسیون اوبدوم^{۵۵} به این پروتکل و موضوع آن تسری می‌یابند، این کنوانسیون که اولین معاهده بین‌المللی الزام‌آور در مورد صیانت از شان، حقوق و آزادیهای بشر در برابر سوء استفاده از پیشرفتهای زیستی و پزشکی است، طی اصول و قواعدی چند (از قبیل اصل رضایت، منع تبعیض، اولویت فرد بر تحقیقات علمی، ضرورت مباحثه عمومی راجع به جنبه‌های مختلف بیوتکنولوژی، حمایت از افراد ناتوان در ابراز رضایت، منع خرید و فروش اعضای بدن و غیره) تعهداتی را بر دولتها بار نموده است.^{۵۶}

۴- مواضع دولتها

اشاره شد که دولتها درباره اینکه شبیه‌سازی مولد انسان ممنوع است و با حقوق و آزادیهای بشر و شان او مغایرت دارد اتفاق نظر دارند. بسیاری از دولتها، به ویژه دولتهای پیشرفته مقررات کیفری و سیستمهای کنترلی ویژه‌ای برای اجرای این ممنوعیت در قلمرو سرزمین و صلاحیتی خود تدارک دیده‌اند.

برای مثال در انگلستان، پس از آنکه مجلس اعیان در ۲۲ ژانویه ۲۰۰۱ حکم کرد که شبیه‌سازی جنبینهای انسانی برای تحقیقات سلولهای پایه مجاز است، مشروط بر اینکه نهایتاً بعد از چهارده روز از زمان ایجاد، آنها را از بین ببرند،^{۵۷} پارلمان قانونی وضع نمود که مانع شبیه‌سازی مولد انسان شد. این قانون، قرارداد کنینهای شبیه‌سازی شده در رحم را منع می‌کند. بنابراین شبیه‌سازی انسانی برای مقاصد تحقیقاتی را جایز می‌داند.^{۵۸}

متقابلاً در ایالات متحده این دیدگاه وجود دارد که شبیه‌سازی انسان به هر صورت و به هر دلیل باید ممنوع باشد.^{۵۹} البته این دولت و دولتهای دیگری که همین موضع را اتخاذ کرده‌اند (از قبیل آلمان و

اسپانیا) با شبیه‌سازی انسان برای مقاصد درمانی - تحقیقی با استفاده از سلولهای پایه بالغ (غیر جنینی) موافق هستند و مخالفت آنها با شبیه‌سازی انسان برای استفاده از سلولهای پایه جنینی برای مقاصد تحقیقی - درمانی این است که مخالف از بین بردن جنین انسانی برای چنین مقاصدی هستند. این دولتها، همانند واتیکان،^{۶۰} معتقدند که حیات انسانی از زمان لقاح تخمک و اسپرم به وقوع می‌پیوندد و موجود حاصل، دیگر توده‌ای از سلول نیست، بلکه انسانی است که باید مورد حمایت واقع شود. دلیل دیگری که این دولتها ارائه می‌کنند، عدم امکان نظارت مؤثر بر شبیه‌سازی انسان برای مقاصد درمانی - تحقیقی است. آنها ابراز می‌دارند که چنانچه این نوع شبیه‌سازی مجاز دانسته شود، امکان ردیابی و پیگرد افرادی که مبادرت به شبیه‌سازی مولد انسان نیز می‌کنند غیر ممکن خواهد بود. دلایل دیگر آنها، یکی استثمار زنان جهت دست‌یابی به تخمکهای آنها، و عدم قطعیت منافع شبیه‌سازی تحقیقی - درمانی با استفاده از سلولهای جنینی است.^{۶۱} این مواضع عیناً در سازمان ملل نیز انعکاس یافته‌اند. توضیح آن که در پنجاه و ششمین اجلاس مجمع عمومی، به درخواست فرانسه و آلمان،^{۶۲} مسأله تهیه یک کنوانسیون بین‌المللی علیه شبیه‌سازی مولد انسانها در دستور کار مجمع قرار گرفت. در همان جلسه، مجمع عمومی، کمیته ویژه بررسی تهیه یک کنوانسیون بین‌المللی علیه شبیه‌سازی انسان را تاسیس کرد و از آن خواست که گزارش کار خود را به مجمع عمومی و در اجلاس پنجاه و هفتم آن ارائه نماید. همچنین توصیه نمود که این امر در چهارچوب یک گروه کاری در کمیته ششم مجمع (کمیته حقوقی) ادامه یابد.^{۶۳}

مواضع دولتها هم در کمیته ویژه و هم در گروه کاری کمیته ششم، انعکاسی از مواضع پیش گفته بود.^{۶۴} همه دولتها اتفاق نظر داشتند که شبیه‌سازی مولد انسان

شاید اولین تعریفی که از شبیه‌سازی انسان در یک سند بین‌المللی وجود دارد را بتوان تعریف موجود در پروتکل اختیاری کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و شان انسان در خصوص کاربرد زیست‌شناسی و پزشکی، راجع به منع شبیه‌سازی انسانها، مورخ ۱۲ ژانویه ۱۹۹۸ شورای اروپا دانست

متضمن مسائل و نگرانیهای مذهبی، اخلاقی، علمی و غیره می‌باشد و باید منع گردد.^{۶۵} اختلاف نظر راجع به دامنه این ممنوعیت و شیوه انجام آن بود.

برخی از نمایندگان اعتقاد داشتند که باید هر چه سریع‌تر کنوانسیون بین‌المللی برای منع شبیه‌سازی مولد انسان تهیه شود. به نظر این گروه از دولتها، ابتدا می‌بایست شبیه‌سازی مولد منع گردد و سپس راجع به اشکال دیگر آن (تحقیقی - درمانی) بحث شود. این دولتها بیان کردند که چنین روشی هم از لحاظ عملی و هم از نظر اصولی درست‌تر است. آنها با اشاره به اینکه کار شبیه‌سازی انسان هم اکنون نیز در حال پی‌گیری است، اعلام داشتند که ضرورت تهیه کنوانسیون بین‌المللی جهت منع چنین عملی در اسرع وقت، حیاتی است.

در مقابل، گروه دیگری از دولتها از ممنوعیت فراگیر اشکال مختلف شبیه‌سازی انسان حمایت می‌کردند. دلایل این گروه نیز، علاوه بر آنچه قبلاً ذکر شد، این بود که منع جزئی شبیه‌سازی انسان (مولد) پیام اشتباهی را به جامعه بین‌المللی خواهد داد و ممکن است تصور شود که دیگر اشکال شبیه‌سازی مجاز و بلااشکال هستند، و اینکه منع جزئی موجب ابهام حقوقی خواهد بود.

شیوه دیگری که پیشنهاد شد، این بود که شبیه‌سازی، تا زمان

لازم الاجرا شدن کنوانسیون علیه شبیه سازی مولد انسان، به حالت تعلیق در آید، دیدگاه دیگر این بود که شبیه سازی مولد به صورت دائم ممنوع اعلام گردد و شبیه سازی انسان برای مقاصد تحقیقی - درمانی به مدت پنج سال منع گردد تا جامعه بین المللی فرصت ارزیابی تغییرات در موازین و پیشرفتهای علمی را داشته باشد. پیشنهاد دیگر این بود که کنوانسیون تهیه شود که تمرکز آن بر شبیه سازی مولد انسان باشد و در عین حال حاوی مقرراتی درباره شبیه سازی تحقیقی - درمانی باشد که دولتها بتوانند به این مقررات شرط وارد نمایند یا آنها را بپذیرند.

۵- چشم انداز آینده

حاصل تعامل دیدگاهها و برآیند نظرهای مختلف، دو پیش نویس است که توسط دو گروه از دولتها تنظیم شده اند: یکی پیش نویس قطعنامه ای که به مجمع توصیه می کند کار تهیه کنوانسیون بین المللی برای منع شبیه سازی مولد انسان را پیگیری کند، ۶۶ و دیگری، پیش نویس قطعنامه ای است که ممنوعیت فراگیر همه اشکال شبیه سازی را مد نظر دارد.^{۶۷} طرح اول به L.۸، و طرح دوم به L.۳ معروف است.

هر دو طرح، با اشاره به اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر، مصوب یونسکو در ۱۹۹۷، از خطراتی که از جانب علوم زیستی متوجه تمامیت و شأن بشر می باشد، ابراز نگرانی کرده، هدف خود را پیشگیری از مخدوش شدن شان بشر بر اثر پیشرفتهای علمی اعلام می کنند. همچنین، اتخاذ تدابیر موقت (و در طرح L.۳، تدابیر دائم) در سطح ملی برای پیشگیری از مخدوش شدن شان بشر افراد بر اثر خطرات بالقوه علوم زیستی پیش بینی شده اند.

هنوز کنوانسیون جهانی راجع به شبیه سازی وجود ندارد و این امر توسط سازمان ملل متحد در دست بررسی است. به همین لحاظ تعاریف موجود تعاریفی هستند که در چهارچوب اروپا تهیه و مقرر شده اند. حتی اعلامیه یونسکو راجع به ژنوم انسانی^{۶۸} تعریفی از شبیه سازی ارائه نکرده است و صرفاً آن را منع نموده (ماده یازده). البته، به نظر می رسد که هر گونه تعریفی که از شبیه سازی ارائه گردد، اعم از اینکه روشهای آن لحاظ گردند یا اهداف آن ذکر شوند، قدر مسلم آن که به عنصر «وجود ساختار ژنتیکی یکسان» در تعریف قطعاً توجه خواهد شد

هر دو طرح عناصر یکسانی را برای درج در کنوانسیون آتی پیش بینی کرده اند. از جمله: دامنه، تعاریف (که بسیار مورد تاکید بوده)، هدف (که در طرح L.۸ ممنوعیت کلی و در L.۰ ممنوعیت جزئی است)، نحوه اجرا در سطح ملی، تدابیر پیشگراانه (و کیفری)، مسائل مربوط به صلاحیت، ترویج و تحکیم همکاری بین المللی، تبادل اطلاعات، و در نهایت، ساز و کارهای نظارت بر اجرای کنوانسیون^{۶۸}.

لازم به ذکر است که طرح L.۸ با وجود آنکه ناظر بر منع شبیه سازی مولد انسان می باشد، در بند هشت خود مقرر داشته که:

«از دولتهایی که تاکنون سایر اشکال شبیه سازی مغایر با شان بشر را در سطح ملی ممنوع کرده اند یا به حالت تعلیق در نیاورده اند، می خواهد که چنین تدابیری را اتخاذ نمایند.» در واقع، این طرح با آنکه منع جزئی را محور خود قرار داده است، به هیچ عنوان، تجویزی برای سایر انواع شبیه سازی نمی باشد. این امر به صراحت در بندهای (b) و (c) ۳ اعلام شده است، به نحوی که نه تنها عدم تجویز سایر اشکال صراحتاً اعلام گردیده، بلکه امکان منع سایر اشکال توسط دولتها در سطوح ملی کاملاً آشکار و صریح در بند ۳(c) اعلام شده است.

به نظر می رسد که این طرح، به دلیل قابلیت انعطاف بیشتری که دارد، در مجمع عمومی از استقبال بیشتری برخوردار گردد.

نتیجه گیری:

به نظر می رسد که ظرف یکی - دو سال آینده، کنوانسیون بین المللی منع شبیه سازی انسان، که به احتمال زیاد ناظر بر شبیه سازی مولد بوده و صرف نظر از شیوه های علمی، ساختار ژنتیکی واحد را محور تعریف خود قرار خواهد داد، برای تصویب دولتها مفتوح اعلام گردد. به غیر از بحث دامنه و هدف کنوانسیون (منع کلی یا جزئی)، به نظر می رسد که سایر جزئیات آن چندان اختلافی را میان دولتها به وجود نیاورند.

ولی آنچه در اینجا باید به آن توجه کرد، اثر عناصر فرا حقوقی بر حقوق و تحولات آن می باشد. پدیده ای علمی، که ابتدا در چند کشور توسعه یافته به وقوع پیوست، اکنون بعدی جهانی یافته، از محافل علمی خارج شده و به مبحث روز انسانهای گوناگونی بدل گشته است. این امر خود به حرکت های اجتماعی، در ابعادی متنوع و متفاوت منجر شده است که این حرکتها به نوبه خود بر حقوق کشورها، و در مرحله بعد، حقوق بین الملل تاثیر گذار بوده اند. وجود اتفاق نظر درباره ممنوعیت شبیه سازی مولد انسان و اختلاف نظر درباره اشکال دیگر آن، منبعث از مواضع مختلف اخلاقی، مذهبی، فلسفی و علمی دولتهاست که ریشه در فرهنگ آنها و مردمان آنها دارد.

با توجه به آنکه جمهوری اسلامی ایران هنوز موضعی در قبال این پدیده اتخاذ نکرده و در عین حال، بحث شبیه سازی به مبحث مورد علاقه محافل گوناگون و نشریات مختلف بدل شده است، امید است که در آینده نزدیک، کشور ایران با توجه به دیدگاههای موجود در جامعه ایرانی، موضعی منطبق با فرهنگ ایرانیان و خواست اکثریت ایرانیان اتخاذ نماید و نقشی مؤثر در تهیه کنوانسیون منع شبیه سازی انسان به عهده گیرد.

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی و عضو گروه حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران

برای مطالعه اثر علوم بر حیات انسان و کنشهای ایجاد شده، رجوع شود به:

C.G Weeramantry, Justice Without Frontiers: Protecting Human Technology, Kluwer Law International 1, 1998. Rights in the Age of - See: sean D. Murphy, "Biotechnology and International Law", Harvard International Law Journal, Vol.42/Number/ Winter 2001, PP. 47-50.

- Bert Thompson, Brad Harrub, "Human Cloning and Stem - Cell s slippery Slope", Apologetics Press/ August ,Research - Scienc 2001, WWW.apologeticspress. org/m/r2001/ r&rolo&a.htm

و: سالاری، حسن؛ «کلون‌ها آن چیزی نیستند که تصور می‌رود»؛ روزنامه شهرداری، یکشنبه ۱۵ دی ۱۳۸۱، صفحه ۱۱.

- Ibid

- Additional Protocol to the Convention For the Protection of Human Rights and Dignity of the Human Being With regard to the Application of Biology and Medicine, on the Prohibition of Cloning Human Beings, of 12 January 1998/ European Treaty Series No. 168.

- Explanatory Report to the Additional Protocol/ Para.4.

- Ibid., Para. 6.

- Ibid., Para.7.

- European Parliament, Resolution on human Cloning, of 15 January 1998 (1998 o.J.(c 34) 164 (15 January 1998).

- European Parliament, Resolution on Human Cloning, of 7 September 2000 (Bulletin of the European union 9-2000, Humm Rights, 5/12).

- universal Declaration on the Human Genome and Human Rights, 11 November 1997 (UNESCO).

- تعاریف نسبتاً جامع و خوبی از انواع دیگر شیمازی (مولد، درمانی، تحقیقی) در گزارش شورای ریاست جمهوری راجع به بیواتیک مورخ ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۲ به رئیس جمهور آمریکا درج شده‌اند. از آنجا که این گزارش، از لحاظ حقوقی نداشته و تنها در آمریکا مدنیت داشته (فقط وصف حقوقی بین‌المللی است که منظر این نوشته است) از ذکر تعاریف آن خودداری می‌گردد. با این وجود، به دلیل کیفیت بالای گزارش مذکور، درس اینترنتی آن ارائه می‌گردد تا علاقه‌مندان با سهولت بتوانند به آن رجوع کنند:

www.Bioethics.gov/reports/cloningreport/fullreport.html

برای مطالعه تاریخچه، علاوه بر گزارش مذکور در پیوست ۱۲، به درس اینترنتی مندرج در پیوست ۳ نیز رجوع شود.

- Hans Spemann (1869-1941)

- Enbryonic Development and Induction (1938):

- F.C Steward , Cornell University.

- Robert Briggs and Thomas King of the Institute for Cancer Research in Philadelphia.

- James Watson, Francis Crick

آقای کریک یکی از مضامینکنندگان اعلامیه حمایت از شیمازی و تاملات پژوهش علمی است که در آن با افتخار از مواضع اتخاذ شده در قبال شیمازی (که آن را ناشی از دیدگاههای مذهبی می‌دانند)، مباحث اخلاقی مطروحه در قبال مقیسه DNA نیز زمینه را با مباحث اخلاقی تکنولوژی تری هسته‌ای، کنگذاری کامپیوتری و ترکیب دانسته، از انواع شیمازی (حتی شیمازی انسان) حمایت کرده‌اند. مسائل مطروحه را با تمسک به عقل و منطق بشری، قابل فیصله می‌دانند. ر.ش:

Declaration in Defense of Cloning and the Integrity of Scientific Reseach, at: www.Secular Humanism. org/Library/Fi/Cloning-Declaration-17-3.html.

- John Gurdon

- J.B.S. Haldane, Man and His Future, 1963.

- Roe Vs. Wade

- Steen Willadsen

- Ian Wilmut

- dolly

- اهمیت این امر، نه در شیمازی بلکه بستندار، بلکه در امکان شیمازی به بستندار با استفاده از سلولهای بالغ بود، امری که بسیاری از برندگان جایزه نوبل و پژوهشگران برجسته (از جمله فرانسیس کریک و جیمز واتسون) را غیر ممکن اعلام کرده بودند. با این وجود، دکتر ویلموت و تیم پژوهشی او نیز مؤسسه رزلی (Roslin)

- Wakayama

- Kato

- Baguisi

- Chan

- Onishi

- Polejaeva

- Resolution on Cloning, European Parkiament, 1997 O.J. (C 115) 14.4/92 (March 12, 1997).

- برای مطالعه برخی از این اسناد، به فهرست مندرج در سند اطلاعاتی تهیه شده توسط دبیرخانه سازمان متحد برای کمیته ویژه کنوانسیون بین‌المللی علیه شیمازی می‌توانید مراجعه کنید: A/Ac. 2b3/ 2002/ INF/ 1/Rev.1

- United Nations General Assembly Resolution 53/ 152 on the Human Genome and Human Rights /9 December 1998.

- World Health Organization, Resolution WHA 50.37 on Cloning in Human Reproduction/ 14 May 1997/ para.1/ Resolution WAH 51.10 on ethical, Scientific and Social implications of Cloning in Human Health. 16 May 1998. Para. 1.

- WHA 51.10/ para.2.

- در این باره رجوع شود به: موق، هومن؛ بررسی اصول حقوق بین‌الملل حکم بر روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها وفق منشور ملل متحد؛ رساله کارکنشسی ارتد حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹.

- Elias, T.O.; Africa and the Development of International Law, 1972, pp. 74 - 75.

- Asamoah, Obed y.; the Legal Significance of the Declarations of the General Assembly of the United Nations, 1966, pp. 66 - 67.

- Menon, P.K.; "United Nations Special Committee and Decolonisation"; Indian Journal of International Law, IX. no.1 (1969), p.27.

- Verdross, A.; "Kann die General Versammlung der Vereinten Nationen das Volkerrecht Weiterbiden?"; Zeitschrift fur auslandisches offentliches Recht und Volkerrecht, XXVI, 1966,

p.693; Bastid, s.; Droit international Public. le droit des Organisations internationales, 1969 - 70, I, p. 91.

- کلیپار، کلود ابرا؛ نهادهای روابط بین‌المللی؛ ترجمه دکتر هدایت الله فلسفی؛ نشر نو؛ ۱۳۶۸، صفحات ۵۱۰-۵۰۸.

Malintoppi, A, Le raccomandazioni internazionali, 1958, -

Mondiale, 1972. Virally, m, L,organisation

- Sir Hersch Lauterpacht; Voting Procedure On Questions Relating to Reports and Petitions Concerning the Territory of South - West Africa, Advisory Opinion, ICJ Rep. 1955, p. 115.

- دیدگاه گروه اول از آنجا که بدون توجه به مراتب سند اساسی سازمانهای بین‌المللی مطرح گردیده و به صورت تک‌اضعی معتد به از اولیور بودن مصوبات می‌باشد، چندان قابل تصور نیست. دیدگاه دوم نیز که به ادان هر گونه اهمیت حقوقی مصوبات معتد است، با توجه به مطالعاتی که صورت گرفته است چندان می‌تواند درست باشد.

Final Report of the Committee on Formation of Customary London Conference, International . (General) International Law Law Association, 2000).

- Co - ordination of the Wills of States.

- Tunkin, G.I; "The Role of Resolutions of International Organisations in Creating Norms of International Law"; in: Butler , W.E. (ed); International Law and the International System; 1987, pp. 8 - 9.

- ر.ش.؛ به مباحث پیشین.

- ر.ش.؛ به مطالعه سازمان بهداشت جهانی.

بهداشت جهانی WHA51.10 عمومی ملل متحد راجع به ژنوم انسانی (۱۹۹۸)، مطالعه راجع به شیبه سازی انسان (۱۹۹۸)، همچنین به اسناد زیر نیز چارچوب اروپا) رجوع شود:

Resolution on Cloning, European Parliament, 1997 O.J. (C 115) and Ibidem, 1998 O.J. (c 34) 164 (Jan. 14.4/92 (Mar. 12, 1997 the Cloning of 15,1998); European Council Declaration on Bnning Human Beings (1997), Bulletin Of the European Union (22 June. Council of Europe, Parliamentary, Opinion No. 202 (1997). (1997 Protocol to the Convention on Human on the Draft Additional Cloning Human Rights and Biomedicine on the Prohibition of Beings (sept. 23, 1997) and the Said Protocol itself, ETS No. 168, 12 Jun. 1998

- همان منبع.

- ر.ش.؛ به مطالعه سازمان بهداشت جهانی.

WHO Resolution WHA 51.10 (1998), Second Preambular Paragraph.

- ر.ش.؛ به مطالعه‌های پارلمان اروپایی مذکور در پیوست شماره ۱۹.

- در این مورد به خصوص رجوع شود به: فلسفی، هدایت‌الله «حق، صلح و منزلت انسانی؛ تاملاتی در مقایسه قاعده حقوقی، ارزش اخلاقی و بشریت»؛ مجله حقوقی نظر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران؛ شماره بیست و ششم و بیست و هفتم، ۸۱-۱۳۸، برای مطالعه بیشتر دربارهٔ تکرار اخلاقی و فلسفه بر حقوق بشر او (منوعیت شیمازی می‌تواند انسان) و حقوق بین‌الملل، به منابع زیر رجوع شود:

- هارمنس، یورگن؛ جهانی شدن و اندیشه دموکراسی؛ منظومه پساامی؛ ترجمه کمال یونانی؛ نشر مرکز، ۱۳۸۰.

- قربانیا، ناصر؛ اخلاق و حقوق بین‌الملل، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (است)، ۱۳۷۸.

Tomuschat, Christian, "Ethos, Ethics and Morality in Encyclopedia of Public International Relations International Law, Vol.9.

- گزارش مذکور در پیوست ۱۲.

- پروتکل مذکور در تاریخ اول مارس ۲۰۰۱ لاردا لاجرا شد.

- Convention for the Protection of Human Rights and Dignity of regard to the application of biology and the Human being with Biomedicine, ETS medicine: Convention on Human Rights and No.: 164; 4 April 1997 (oviedo Conention).

- علاقه‌مندان جهت اطلاع از متن این کنوانسیون می‌توانند به درس اینترنتی زیر مراجعه نمایند: (شماره کنوانسیون ۱۶۴ می‌باشد).

http://Conventions. coe. int/ Treaty

- Bert Thompson, Brad Harrub. op.cit., at note 3.

- U.K. Bans Human [Reproductive] Cloning; www. grg. org / ukcloning. htm.

www. un. int/ usa/ cloning. htm. ر.ش.؛ برای کتبی از مواضع آمریکا، ر.ش.؛

- Declaration on the Production and the Scientific and Therapeutic use of Human Embryonic Stem Cells, at: www. Vatican . va/ roman - Curia / Pontifical - academies / acdlife/ documents and : Observations on the Universal Declaration on the Human Genome and Human Rights at: www. Vatican. va / roman - curia/ secretariat - State / documents

- همان منبع مذکور در پیوست شماره ۱۰، و همچنین:

Ten Reasons to Support the Brownback - Landrieu Cloning Ban Cloninginformation. org / info/ talking - Point . (S. 1899), at: www htm .

- A/56/ 192, (2001).

- U.N.G.A. Res. 56/ 93 (A/ Res/ 56/ 93). 28 Jan. 2002.

- C.F. Report of the ad hoc Committee: A/57/51: and Report of the Working Group (A/ C. 6/57/ L.4).

- A/57/51, Para. 11.

- A/C.6/ 57/L. 8 (Proposed by: Belarus, Belgium, Brazil, Canada, China, Cuba, Czech Republic, Denmark, Finland, France, Germany, Greece, Hungary, Iceland, Japan, Latvia, Liechtenstein, Lithuania, Luxembourg, Norway, slovenia and Switzerland; A/C.6/57/ L.8/ Corr.1)

- A/C.6/57/L. 3/ Rev. 1 (sponsors: Antigua and Barbuda, Argentina, Costa Rica, Dominica, Dominican Republic, El salvador, Eritrea, Ethiopia, Fiji, Georgia, Grenada, Honduras, Italy, Kazakhstan, kenya, kyrgyzstan, Lesotho, Marshall Islands, Micronesia, Nicaragua, Nigeria, Panama, Paraguay, Philippines, Saint kitts and Nevis, Saint Lucia, Saint Vincent and the Grenadines, Spain, Suriname, Tajikistan, Timor - Leste , Tonga, Turkmenistan, Tuvalu, United States of America, Uzbekistan and Vanuatu; A/ L. 6/57/L.3/Rev. 1/corr. 1)

- op.cit., at notes 67 and 68.